عظمت شخصیت حضرت عبدالعظیم در نظر امامان(ع) وعالمان بزرگ شیعه

تاریخ انتشار : 1386/11/7

بازدید : 3954

منبع : فصلنامه علوم حدیث>شماره 1 , دکتر سیّد جعفر شهیدی

عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب ع ، صاحب کتاب «خطب امیرالمؤمنین» و «الیوم واللیلة»، مشهور به حضرت عبدالعظیم و شاه عبدالعظیم، از سادات حسنی و از بزرگان این خاندان، و مورد احترام امامان عصر خود و از راویان موثق است.
متأسفانه با همه جلالت قدر، زندگانی و حتی تاریخ ولادت و رحلت او به درستی روشن نیست. لیکن به موجب روایتی که از امام هادی ع در باب فضیلت زیارت او آمده، روشن می شود که پیش از شهادت این امام بزرگوار (254 ه\* .ق.) درگذشته است و می توان گفت در آغاز دهه ششم از سده سوم هجری و در خلافت «المعتز» زندگانی را بدرود گفته است.
مؤلف کتاب «جنة النَّعیم» با آنکه نام زوجه آن جناب را هم نوشته[1]، متعرض تاریخ ولادت، سن و سال دقیق رحلت او نشده و تنها نویسد:
«پس باید وفات حضرت عبدالعظیم، اوایل 250 هجری، چند سال قبل از شهادت حضرت امام علی النقی ع باشد».[2]
از امامان بزرگوار، با امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام معاصر بوده است. امّا آیا محضر حضرت امام علی بن موسی ع را هم درک کرده و از او حدیثی شنیده است؟ مؤلف الذریعه در این باره نویسد:
«عصر امام رضا و امام جواد علیهماالسلام را درک نمود و ایمان خود را بر امام هادی ع عرضه کرد. و از برخی کتابها نقل است که وفات او در نیمه شوال سال 252 هجری است».[3]
ابن بابویه در «من لایحضره الفقیه[4]» در باب روزه یوم الشک، روایتی از او از امام رضا ع آورده و ذیل آن نوشته است: «مصنف کتاب گوید حدیثی است غریب و آن را جز از طریق عبدالعظیم حسنی نمی شناسم».
همچنین در تعلیقه شهید ثانی بر «خلاصه» آمده است که حضرت رضا ع بر زیارت او توصیه فرموده است.[5] لیکن عالم رجالی معاصر جناب آقای شوشتری نویسد:
«ظاهر این است که روایت حضرت رضا ع در وجوب بهشت برای زیارت فاطمه دختر موسی بن جعفر ع است، نه برای عبدالعظیم»[6].
سید استاد بزرگوار آیت الله خویی ره ، آنچه را که در کتاب «اختصاص» آمده است که امام هشتم به عبدالعظیم فرمود: «سلام مرا به اولیای من برسان»، به خاطر ارسال حدیث نامعتمد دانسته و نوشته اند: «متحصل از کلمات اصحاب ما این است که عبدالعظیم، رضا ع را ندیده است، تا چه رسد که در حیات آن امام درگذشته باشد».[7]
پس ظاهراً بلکه مطمئناً وی محضر امام هشتم را درک نکرده و مستقیماً از او روایتی نشنیده است.
به هرحال چون موضوعی که این جانب، تحقیق در آن را تعهد کرده ام حرمت این بزرگوار در دیده علما و ائمه اطهار است، بیش در این باره سخن را به درازا نمی کشانم.
سید عبدالعظیم حسنی چنانکه نوشتیم مورد احترام امامان عصر خویش بوده است و عالمان انساب و تذکره نویسان در طول زمان او را به جلالت قدر ستوده اند. و روایتها از او در کتابهای علمای شیعه آمده است؛ از جمله، روایتی که از ابوبصیر از امام صادق ع در بیان (الذین یستمعون القول فیتَّبعُون أحسنه) در کافی است.[8]

مقام او نزد ائمه اطهار
آنچه جلالت قدر این بزرگوار و امامزاده عالی مقدار را هر چه بیشتر آشکار می سازد، و عظمت مقام او را نشان می دهد، فرموده امام عصر اوست درباره اش و همین سخنان است که دانشمندان علم رجال را به تکریم او واداشته است.

سخن امام هادی ع درباره وی
ابوتراب رویانی از ابوحماد رازی آرد که بر علی بن محمد ع در «سُرّ مَنْ رای» درآمدم، و او را از مسائل حلال و حرام پرسیدم و مرا پاسخ گفت. چون او را وداع گفتم فرمود:
«حماد! اگر برای تو مشکلی در دین پیش آید، از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی بپرس و سلام مرا به او برسان».[9]
همچنین این امام بزرگوار درباره او دعا کرده و دین او را درست خواند. صدوق به اسناد خود از وی نویسد:
بر امام خویش علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب ع درآمدم. چون مرا دید فرمود: «مرحبا بر تو ای ابوالقاسم! تو به حق دوست مایی». گفتم: «پسر رسول خدا! می خواهم دین خود را بر تو عرضه کنم تا اگر پسندیده است بر آن ثابت بمانم تا خدا را دیدار کنم». فرمود: «بگو!» و چون عقیدت خویش عرضه کردم امام فرمود: «ابوالقاسم؛ به خدا این دین خداست که آن را برای بندگانش پسندیده است. بر آن پایدار باش. خدایت در دنیا و آخرت بر آن پایدار بدارد»[10].
نیز صدوق آورده است که مردی بر ابوالحسن علی بن محمدهادی ع درآمد. امام ع از او پرسید کجا بودی؟ گفت به زیارت حسین ع رفته بودم. فرمود: «اگر قبر عبدالعظیم را که نزد شماست زیارت می کردی، چون کسی بودی که قبر حسین ع را زیارت کرده است»[11].

نظر دانشمندان شیعه درباره او

سده چهارم هجری[12]
1) صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه (م 381 ه\* .ق.) کتابی درباره این بزرگوار به نام «اخبار عبدالعظیم»[13] دارد که در آن خبرهای روایت شده از او را آورده است. وی درباره عبدالعظیم نوشته است: عابد، پارسا و مرضی بود.[14]
2) صاحب، اسماعیل بن عبّاد، ادیب و دانشمند معروف (متوفای 385 ه\* .ق.)، وزیر مؤیدالدوله و فخرالدوله دیلمی، مشهور به صاحب بن عبّاد، به تقاضای شخصی، رساله ای در نسب این بزرگوار نوشته و در ضمن آن چنین آورده است:
پارسا و دین دار و عابد و شناخته به امانت و صدق لهجت بود، و عالم به امور دین، و قائل به توحید و عدل، و روایت بسیار از او نقل است. از ابوجعفر محمد بن علی بن موسی [ع] و پدرش ابوالحسن صاحب عسکر [ع] روایت کند و آن دو امام را برای او نامه هاست.[15]
3) ابونصر [سهل بن عبدالله] بخاری مؤلف کتاب «سرالانساب» که به نقل مؤلف الذریعه از دانشمندان سده چهارم هجری است، او را به زهد و علم ستوده و گوید در ری، در مسجد شجره مدفون است.[16]

سده پنجم هجری
1) علم الهدی و التّقی سید مرتضی (م 436 ه\* .ق.) وی را با صفتهای «سید پارسا، عالم، زاهد، بلند مرتبت، بزرگ منزلت» ستوده و نویسد:
از امامان، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام را درک کرد و شیعه از حدیثها و روایتهای او تاکنون بهره برده است.[17]

2) دانشمند رجالی مشهور ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس معروف به نجاشی (م 450 ه\* .ق.) در کتاب رجال خود داستان آمدن این سید بزرگوار را به ری و مخفی زیستن و به عبادت پرداختن او را آورده (چون این داستان در بیشتر کتابها و از جمله کتابهای زیارت آمده، از نوشتن آن صرف نظر می کنیم)، سپس سلسله روایت خود را از وی از طریق احمد بن علی تا به ابوتراب رویانی می آورد و می نویسد: عبدالعظیم بن عبدالله، همه روایتهای خود را برای ما حدیث کرد.[18]

3) شیخ الطائفه محمد بن الحسن الطوسی (م 460 ه\* .ق.) نویسد: عابد، پارسا و مرضی بود.[19]

4) سید عالم نسب دان ابواسماعیل ابراهیم بن عبدالله بن حسن بن علی شاعر، صاحب کتاب «منتقلة الطالبیه»[20]، در زمره طالبیانی که به ری آمده اند درباره عبدالعظیم نویسد:
ابوالقاسم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید، محدث و زاهد بود. او را مشهدی است در شجره ری و قبر او زیارت کنند. مادر او ام ولد است.

سده هفتم
ُ در کتاب «الشجرة المبارکة فی الانساب الطالبیة» که آن را از امام فخر رازی[21] دانسته اند آمده است:
عبدالعظیم در ری کشته شد و مزار او بدان جا معروف و مشهور است.[22]
آنچه در باب کشته شدن حضرت عبدالعظیم در این کتاب (منسوب به امام فخر) آمده، در کتابهای دیگر نیست. تنها مؤلف «جنة النعیم» نویسد:
بناءً علی هذا استبعادی نمی رود که حضرت عبدالعظیم به امر سلطان جائر و خلیفه معاصر مقتول شده باشد و این بعد از اجتماع شیعیان و محبین و نشر احوال و فضایل و مآثر شریفش بوده است.[23]
ولی آیا کتاب «الشجرة المبارکة» از فخر رازی است؟ چنانکه مصحح محترم در مقدمه کتاب نوشته اند، هیچ کس از تذکره نویسان، چنین کتاب را در شمار تألیفات فخر رازی نیاورده است.

سده هشتم
1) تقی الدین، حسن بن علی بن داود حلّی؛ [مرحوم سید جلال الدین محدث نویسد:
وی ظاهراً متوفی در نیمه اول سده هشتم هجری است چه کتاب خود را در هفتصد و هفت به پایان رسانیده است.]
تقی الدین درباره او نویسد:
ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب، عابدی پارسا و پسندیده بود.[24]

2) حسن بن یوسف بن علی بن مطهّر معروف به علامه حلی (م 726 ه\* .ق.) در کتاب «خلاصه» درباره او گوید:
عالم، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالت بر حسن حال او کند و ما آن حکایت را در کتاب کبیر آورده ایم.
مؤلف «روضات» نویسد:
شاید مقصود از حکایت، داستان عرض دین است بر امام عصر خویش.[25]

سده نهم
1) مؤلف کتاب «عمدة الطالب»، سید احمد بن علی داودی حسنی (م 828 ه\* .ق.) نویسد:
از عبدالله بن علی شدید، عبدالعظیم متولد شد. سیدی زاهد که در مسجد شجره ری مدفون است و قبر او را زیارت کنند و فرزند او محمد است و محمد را اولادی نبود.[26]
و هم این مؤلف در کتابی دیگر نویسد:
و نسل علی الشدید بن الحسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام از عبدالله بن علی است و نسل عبدالله از احمد بن عبدالله و عبدالعظیم و حسن... و عبدالعظیم زاهدی بزرگ بود و پسر او محمد نیز.[27]

سده یازدهم
1) محمد باقر بن محمد استرآبادی مشهور به میرداماد (م 1041)؛ وی در «الرواشح السماویة» گفته است:
از سخنان ذایع شایع این است که طریق روایت از جهت ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله حسنی، مدفون به مشهد شجره ری رضی الله تعالی عنه و أرضاه حسن است، چه او ممدوح است و نصی بر توثیق او نیست. لیکن در نظر من، ناقد بصیر و متبصر خبیر این نظر را مستهجن و قبیح می شمارد و اگر درباره او جز حدیث عرض دین و حقیقت معرفت او و فرموده امام هادی ابوالحسن ثالث ع که «تو به حق دوست مایی» و نسب شریف وی که از سلاله نبوت است نبود، او را کفایت می کرد.[28]
مرحوم نوری نویسد:
محقق داماد در «رواشح» در شرح حال و در فضل زیارت او روایتهای متضافره آورده؛ از جمله اینکه کسی که او را زیارت کند بهشت برای او واجب است.[29]

سده دوازدهم
1) شیخ محمد بن حسن حر عاملی (م 1104) مؤلف کتاب «وسائل الشیعه» نویسد:
ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب ع ، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالت بر حسن حال او کند. ابن بابویه گفته است اومرضی بود. علامه و نجاشی نیز چنان گفته اند. صدوق در «ثواب الاعمال» آورده است که زیارت او چون زیارت حسین ع است.[30]

2) علامه مجلسی (م: 1110 ه\* .ق.) ذیل عنوان «فضل زیارت عبدالعظیم» روایت منقول از امام هادی ع را که زیارت عبدالعظیم برابر زیارت حسین ع است از «ثواب الاعمال» صدوق و «کامل الزیارات» و نیز داستان در آمدن او را به ری تا به خاک سپرده شدنش در باغ عبدالجبار نقل کرده است.

3) محمد بن علی اردبیلی (تاریخ ولادت و وفات او به تحقیق معلوم نیست و چون اجازه مجلسی برای او در سال 1098 صادر شده پس می توان او را از علمای سده یازدهم و متوفای سده دوازدهم به شمار آورد).
اردبیلی درباره عبدالعظیم نویسد:
عبدالعظیم بن عبدالله حسن علوی ... عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که بر نیکویی او دلالت کند (سپس همان روایتی را که مردی از اهل ری نقل کند آورده است)[31].

سده سیزدهم
1) محمد بن اسماعیل حائری (م 1215 ه\* .ق.) در کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال» درباره او نویسد:
او راست کتاب «خطب امیرالمؤمنین»[ع]. وی مردی عابد و پارسا بود.

سده چهاردهم
1) حاج میرزا ابوالقاسم نراقی مؤلف کتاب «شعب المقال فی احوال الرجال» نویسد:
ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب ثقه ای جلیل القدر بود. گریزان از سلطان به ری درآمد و در آنجا بمُرد و به خاک سپرده شد. امام هادی ع به بعض از اصحاب خود فرمود: اگر قبر عبدالعظیم را زیارت می کردی چون کسی بودی که حسین بن علی ع را زیارت کرده است.[32]
[2 و 3) سخن حاجی حسین محدث نوری (م 1320 ه\* .) و نیز سخن سید محمد باقر خوانساری، صاحب روضات (م 1313 ه\* .) درباره او، ذیل سده یازدهم نقل شد.]

مفصل ترین و جامع ترین شرحی که تاکنون درباره طبقه او در میان راویان و روایتهای رسیده از او دیده ام به شرحی است که استاد معظم حضرت آیة الله خویی در مجلد دهم از «معجم رجال الحدیث» از صفحه 46 تا 51 و از 407 تا 408 آورده و پس از او آنچه در «قاموس الرجال» است.[33]
بالجمله از آنچه این عالمان بزرگوار در طول هزار سال و بیشتر نوشته اند و آنچه امام عصر وی درباره او فرموده است، و ثاقت و بلکه جلالت قدر و بزرگی شأن او معلوم می گردد.

1 - جنة النعیم والعیش السلیم، المولی باقر بن اسماعیل اللمازندرانی (م 1313 ه\* .) ص 124 چاپ سنگی تهران.
2 - جنة النعیم، ص 402
3 - الذریعه، ذیل عنوان خطب امیرالمؤمنین (ع).
4 - من لا یحضره الفقیه، ج 2 ص 80
5 - روضات الجنّات، محمدباقر الخوانساری، ج 4 ص 210
6 - قاموس الرجال، التستری، ج 5 ص 374
7 - معجم رجال الحدیث، ج 10 ص 49
8 - اصول کافی ج 1 ص 392. برای اطلاع از مجموع روایتهای رسیده از وی به «معجم رجال الحدیث» مراجعه شود.
9 - رساله صاحب بن عباد به نقل ری باستان، حسین کریمان، ج 1، ص 356. روضات، ج 4، ص 208
حضرت آیة الله خوئی نوشته اند این روایت لااقل از جهت مرسل بودن ضعیف است (معجم رجال الحدیث، ج 10، ص 49).
10 - توحید، ص 81 82. روضات، ج 4 ص 207 و 208
11 - روضات، ج 4 ص 211 به نقل از ثواب الاعمال، ص 460. قاموس الرجال، ج 5، ص 346
12 - ترتیب قرن بر حسب درگذشت نویسنده است.
13 - ریحانة الادب، محمدعلی مدرّس تبریزی.
14 - جنة النعیم.
15 - روضات، ج 4، ص 208
16 - سرالانساب، ص 10 به نقل ری باستان، ج 1، ص 389
17 - جنة النعیم، ص 479؛ ری باستان، ج 1، ص 387
18 - رجال نجاشی، چاپ سنگی تهران 1317 ه\* .ق.
19 - جنة النعیم، ص 471
20 - منتقلة الطالبیه، نسخه عکسی کتابخانه لغت نامه دهخدا.
21 امام فخر رازی (م 606 ه\* )، از دانشمندان اهل سنّت است.
22 - الشجرة المبارکة، ص 64، منشورات کتابخانه آیة الله مرعشی.
23 - جنة النعیم، ص 401
24 - کتاب الرجال، چاپ مرحوم محدث، ص 226
25 - روضات، ج 4 ص 210
26 - عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص 75
27 - الفصول الفخریة، چاپ مرحوم محدث، ص 107
28 - روضات، ج 4، ص 209 و آن از الرواشح.
29 - مستدرک الوسائل، ج 10، ص 367
30 - وسائل، چاپ دار احیاء التراث، ج 20، ص 229 228
31 - جامع الرواة، الاردبیلی، ص 460
32 - شعب المقال، النراقی، ص 71 70
33 - قاموس الرجال، التستری، ج 5 ص 347 345